



Economics Analysis of Imposing Registration Fee on *Mahr*

Mojtaba Ghasemi^{1*} | Mohammad Roshan² | Mohammadreza Farhang³

1. Corresponding Author, Department of Economic Law, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: Mojtaba_ghasemi@sbu.ac.ir

2. Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m-roshan@sbu.ac.ir

3. Department of Economic Law, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: farhang@yumail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received November 29, 2022

Revised January 01, 2023

Accepted January 09, 2023

Published online 26 June 2023

Keywords:

Fertility, Mahr

Marriage rate,

Registration fee,

Transaction costs

ABSTRACT

This paper purports to analyze imposing registration fees on that part of Mahr higher than a certain level (Mahr Sunnah) from an economic perspective. The proponents of this plan believe that high Mahr is a main obstacle for young men's marriage, and in the case occurring, it can lead to various kinds of social costs. So, it should be deterred by imposing a tax on it. This plan only considers the benefits of one part of marriage (men) and ignores the benefits of the other side (women). So, it can disturb the marriage market and leads to other kinds of social costs that might be even relatively higher. The incentive mechanism of this plan encourages the substitution of Mahr by other provisions in the marriage contract such as asking for divorce right by women, marital properties equal division, out-of-formal wedlock arrangements that are non-recognizable by the law as Mahr, and even leaving the marriage market for other counterparts such as cohabitation; all of them rise the transaction costs of marriage and might increase the average age at first marriage and decrease the likelihood of fertility.

Cite this article: Ghasemi, M., Roshan, M., Farhang, M. R. (2022-23). Economic Analysis of Imposing Registration Fee on *Mahr*. *Private Law*.19 (2), 291-302. Doi: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.351324.1007146>



© Mojtaba Ghasemi, Mohammad Roshan, Mohammadreza Farhang
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.351324.1007146>

Publisher: University of Tehran Press.



تحلیل اقتصادی وضع حق ثبت بر مهریه

مجتبی قاسمی^{۱*} | محمد روشن^۲ | محمدرضا فرهنگ^۳۱. نویسنده مسئول، دپارتمان حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: mojtaba_ghasemi@sbu.ac.ir۲. پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: M-roshan@sbu.ac.ir۳. دپارتمان حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: farhang@yumail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

کلیدواژه:

باروری،

حق ثبت،

مهریه،

نرخ ازدواج،

هزینه‌های مبادله.

پژوهشگران در این نوشتار به دنبال ارائه یک تحلیل اقتصادی از وضع حق ثبت بر مازاد مهریه از مهرالسنة بودند. به‌زعم طراحان این ایده، مهریه بالا مانعی بر سر راه ازدواج مردان است و شکل‌گیری آن منجر به بروز هزینه‌های اجتماعی می‌شود و با اعمال حق ثبت بر مهریه بالا باید مانع از شکل‌گیری آن و ایجاد نظم عمومی شد. تمرکز بر منفعت زوج در این طرح و نادیده گرفتن زوجه، که پیش از این به دلیل کارکردهای عرفی و اقتصادی و حقوقی مهریه بالا از آن منفعت کسب می‌کرد، در عمل می‌تواند منجر به آشفتنگی بازار ازدواج و بر هم خوردن نظم عمومی و افزایش هزینه‌های اجتماعی نسبت به قبل شود. ساختار انگیزشی ناشی از وضع حق ثبت بر مهریه می‌تواند به افزایش جایگزینی مهریه با شروط ضمن عقد نظیر گرفتن وکالت در طلاق توسط زن، تنصیف دارایی‌های مکتسبه پس از ازدواج، توافقات مهریه‌ای خارج از نکاح که قابل رصد توسط محاکم نباشد، و حتی ورود به بازارهای رقیب ازدواج، مانند هم‌باشی—شود. علاوه بر رسیدگی غیر تخصصی به دعوی خانواده، به دلیل تبدیل احتمالی مهریه به یک تعهد حقوقی دیگر، همه موارد پیش‌گفته با افزایش هزینه‌های مبادلاتی ازدواج می‌توانند به افزایش متوسط سن در اولین ازدواج و کاهش احتمال باروری منجر شوند.

استناد: قاسمی، مجتبی، روشن، محمد، فرهنگ، محمدرضا (۱۴۰۱). تحلیل اقتصادی وضع حق ثبت بر مهریه. حقوق خصوصی، ۱۹ (۲) ۲۹۱-۳۰۲.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.351324.1007146>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© مجتبی قاسمی، محمد روشن، محمدرضا فرهنگ.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.351324.1007146>

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده از تصمیمات مهم افراد در چرخه زندگی است. از منظر اقتصادی این مبادله و انتخاب غیر بازاری در بازار ضمنی ازدواج صورت می‌گیرد؛ مبادله‌ای که همانند هر مبادله دیگر قیمتی دارد که افراد باید آن را بپردازند (Becker, 1973: 2). قیمت ازدواج، به منزله یک مبادله غیر بازاری، برآمده از نظام عرفی و حقوقی جامعه است. در نظام حقوقی ایران، مهریه یکی از ارکان اساسی عقد نکاح و ازدواج است که زن و مرد باید در مورد میزان و نوع آن با هم توافق کنند. از منظر اقتصادی، از یک سو مهریه بخشی از قیمت ضمنی ازدواج برای مردان است که طبق قانون هرگاه زن آن را مطالبه کند باید توسط شوهر پرداخت شود و از سوی دیگر مهریه کارکردهایی دارد که بر منفعت انتظاری ناشی از ازدواج برای زن تأثیرگذار است. تحلیل نظری بازار ضمنی ازدواج حاکی از آن است که تغییر در میزان مهریه به منزله بخشی از قیمت ضمنی ازدواج برای مردان و نیز بخشی از منفعت انتظاری ازدواج برای زنان می‌تواند بر رفتار ازدواجی مردان (طرف تقاضای بازار ازدواج) و زنان (طرف عرضه بازار) تأثیرگذار باشد و میزان ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، میزان مهریه می‌تواند بر سایر تصمیمات درون خانوادگی، از جمله فرزندآوری و پس‌انداز، تأثیرگذار باشد (روشن و همکاران، ۱۴۰۱: ۳-۱۱).

با توجه به اهمیت مهریه در فرایند ازدواج در ایران، بحث پیرامون آن همواره در کانون توجه کنشگران بازار ازدواج و قانون‌گذار و پژوهشگران حوزه خانواده بوده است. نگاهی به تحولات قانونی در این زمینه حاکی از آن است که سیاست‌گذاران حوزه خانواده در ایران برای مهریه و آثار اجتماعی تبعی آن اهمیتی ویژه قائل بوده‌اند. مثلاً، در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ صرفاً میزان مهریه تا ۱۱۰ سکه مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی^۱ شده و در خصوص وصول مازاد بر آن ملائت زوج ملاک قرار گرفته است. قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در پی آن بوده است تا برای پرداخت دین (از جمله مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه) ضمانت اجراهای کیفری، از جمله حبس، قرار دهد.^۲ اکنون با حاکمیت مواد ۳ و ۷ قانون اخیر التصویب با تفکیک دیون به سابقه دریافت یا منشأی مانند مهریه و دیه، به ترتیب، به استصحاب ملائت و اعسار در صورت عدم دارایی شده است و در خصوص مهریه اگر دلیلی بر ملائت نباشد اصل بر اعسار و ناداری است (روشن، ۱۴۰۱: ۱۹۶-۱۹۸). بدین ترتیب موضوع بدوی حبس در قبال عدم تأدیه دین مهریه از نظر حقوق موضوعه منتفی است.

کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در تلاش برای ساماندهی به وضعیت نامطلوب مهریه در ایران (به زعم طراحان طرح) طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی از احکام راجع به مهریه را در سال ۱۴۰۱ به تصویب رساند که قرار است در صحن علنی مجلس نیز مطرح شود. در ماده ۴ این طرح، پیشنهاددهندگان جهت جلوگیری از ثبت مهریه‌های بالا حق ثبتی را بر مازاد مهریه‌های بالاتر از یک میزان مشخص (مهرالسنه) وضع کرده‌اند که هنگام ثبت باید به تساوی توسط زن و شوهر پرداخت شود. حق ثبت یادشده به تناسب افزایش مهریه از مهرالسنه روند صعودی به خود می‌گیرد.^۳ طبق تبصره ۱ این طرح نیز مبلغ ریالی مهرالسنه در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضاییه تعیین و اعلام می‌شود.^۴ در تبصره ۳

۱. ماده ۲. مرجع اجراکننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجراییه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم‌له از طرق پیش‌بینی‌شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد نسبت به شناسایی اموال محکوم‌علیه و توقیف آن به میزان محکوم‌به اقدام کند.

۲. ماده ۳. اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجراییه ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود دعوی اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوی اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

۳. ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ بدین شرح اصلاح می‌شود:

ماده ۲۲. در صورتی که مهریه حین العقد تأدیه نشود یا به صورت نقدی پرداخت نگردد و میزان ارزش ریالی آن بیش از مهرالسنه باشد نسبت به مازاد بر مهرالسنه زمان ثبت واقعه نکاح به شرح زیر حق ثبت به تناصف از زوج و زوجه اخذ می‌شود:

- نسبت به مازاد بر مهرالسنه تا ارزش ریالی معادل یکصد سکه بهار آزادی طرح جدید یک‌دهم درصد ارزش ریالی؛
- نسبت به مازاد ارزش ریالی معادل یکصد سکه بهار آزادی طرح جدید تا معادل ارزش ریالی معادل دویست سکه بهار آزادی طرح جدید، ۲ درصد (۲٪) ارزش ریالی؛
- نسبت به مازاد ارزش ریالی معادل دویست سکه بهار آزادی طرح جدید تا معادل ارزش ریالی معادل سیصد سکه بهار آزادی طرح جدید، ۵ درصد (۵٪) ارزش ریالی؛
- نسبت به مازاد ارزش ریالی معادل سیصد سکه بهار آزادی طرح جدید، ۲۰ درصد (۲۰٪) ارزش ریالی.

۴. تبصره ۱. مبلغ ریالی مهرالسنه در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضاییه تعیین و اعلام می‌گردد.

نیز طراحان هر گونه توافق بر سر مهریه در خارج از سند نکاحیه را ممنوع کرده‌اند. در صورت چنین توافقاتی، رسیدگی به تقاضای خواهان (زن) برای مطالبه مهریه منوط به پرداخت حق ثبت مهریه مطابق بندهای ماده ۲۲ طرح پیشنهادی شده است. در انتهای تبصره نیز هر گونه توافق توسط زوجین به قصد مهریه تحت عناوین حقوقی دیگر مشمول این تبصره و رسیدگی به آن‌ها منوط به پرداخت حق ثبت شده است.^۱

به نظر می‌رسد پیشنهاددهندگان این طرح با این پیش‌فرض که فراوانی مهریه‌های بالا آسیب‌ها (از جمله ایجاد مانع برای ازدواج مردان جوان) و هزینه‌های اجتماعی قابل توجهی به همراه دارد، جهت جلوگیری از وقوع آن‌ها، بر این مهریه‌های بالا حق ثبت وضع کرده‌اند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد هدف اصلی طرح رفع موانع ازدواج برای مردان جوان و برقراری نظم عمومی با تنظیم بازار ازدواج از طریق اعمال حق ثبت بر مهریه‌های بالا باشد. پرسش اساسی که به ذهن متبادر می‌شود آن است که به فرض صحت مسئله‌شناسی طراحان طرح این طرح تا چه میزان در رسیدن به هدف پیش‌گفته توفیق خواهد داشت؟ آیا سازوکار انگیزشی ناشی از این قانون (در صورت تصویب) ممکن است به ایجاد هزینه‌های اجتماعی به اشکال دیگر یا حتی افزایش آن منجر شود؟ تصویب این طرح چه آثاری در بازار ازدواج خواهد داشت؟ آیا پیامدهای ناخواسته نامطلوبی وجود دارند که پیشنهادکنندگان طرح از آن غفلت کرده باشند؟

پژوهشگران در این نوشتار در پی آن‌اند تا در چارچوب یک تحلیل نظری و با استفاده از آموزه‌های اقتصاد خرد به پرسش‌های پیش‌گفته پاسخ دهند. ادامه مقاله بدین صورت خواهد بود: ابتدا در قسمت دوم با تمرکز بر بازار ازدواج بخش‌هایی از بازار که این طرح تحت تأثیر قرار می‌دهد مشخص می‌شود. سپس در قسمت سوم، در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی، واکنش کنشگران در بازار ازدواج تحلیل و تبیین می‌شود. در بخش پایانی نیز به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها پرداخته می‌شود.

حق ثبت به مثابه مالیات

وضع و اعمال حق ثبت بر مهریه از نظر ماهوی همان وضع مالیات بر مهریه است. در مباحث تنظیم‌گری، در موارد شکست بازار، مالیات یکی از ابزارهای مهمی تلقی می‌شود که سیاست‌گذار برای رسیدن به اهداف تخصیصی^۳ از آن استفاده می‌کند که تحت عنوان «مالیات پیگویی»^۴ یا «مالیات اصلاحی»^۵ شناخته می‌شود که منتسب به آرتور پیگو، اقتصاددان انگلیسی، است (Acemoglu et al., 2018: 210-216). در این موارد، دولت با استفاده از مالیات در پی آن است تا یک رفتار مشخص (انتخاب) را که به زعم خود دارای پیامد منفی خارجی^۶ است و منجر به تحمیل هزینه‌های اجتماعی می‌شود در بستر بازار و با استفاده از مالیات و ساختار انگیزشی آن اصلاح کند. مثال کلاسیک آن نیز وضع مالیات بر سوخت‌های فسیلی یا انتخاب‌های مضر برای سلامتی، مانند استفاده از دخانیات، است. به این ترتیب، با افزایش قیمت آن انتخاب، کنشگران رفتار خود را تغییر خواهند داد و انتخاب خود را به سمت بهینه اجتماعی اصلاح خواهند کرد. هرچند این نوع مالیات نیز منجر به افزایش درآمد مالیاتی می‌شود و آثار توزیعی نیز به همراه دارد، هدف اصلی از اعمال آن اهداف تخصیصی (و نه توزیعی) است.

به طور مشابه، در مورد وضع حق ثبت بر مهریه‌های بالا نیز با همین سازوکار روبه‌رو هستیم. انتخاب مهریه‌های بالا به منزله یک انتخاب نامطلوب هدف قرار گرفته و تلاش شده است با وضع مالیات (حق ثبت) بر آن کنشگران در بازار ازدواج رفتار خود را اصلاح کنند و به سمت مهریه‌های کمتر هدایت شوند. بنابراین، هدف اصلی نیز در اینجا تخصیصی و ایجاد ساختار انگیزشی در

۱. تبصره ۳. درج مهریه در خارج از سند نکاحیه ممنوع است. رسیدگی به تقاضای مطالبه مهریه‌هایی که خارج از سند نکاحیه تعهد شده باشد در دادگاه یا در واحد اجرای ثبت و به طور کلی هر گونه اقدام حقوقی در این خصوص صرفاً پس از پرداخت معادل حق‌الثبت متعلقه مطابق این ماده توسط خواهان به حسابی از خزانه که سازمان برنامه و بودجه کشور مشخص و اعلام می‌نماید امکان‌پذیر می‌باشد و در صورتی که اثبات شود زوجین به قصد مهریه تحت عناوین حقوقی دیگری توافق کرده باشند مشمول حکم این تبصره می‌شوند.

۲. در این موارد، پیگیری منافع فردی، برخلاف پیش‌بینی نظریه دست نامرئی آدم اسمیت، با اعمال هزینه بر اشخاص ثالث خارج از بازار دیگر منجر به خیر جمعی (بیشینه شدن رفاه اجتماعی) نخواهد شد.

3. allocative

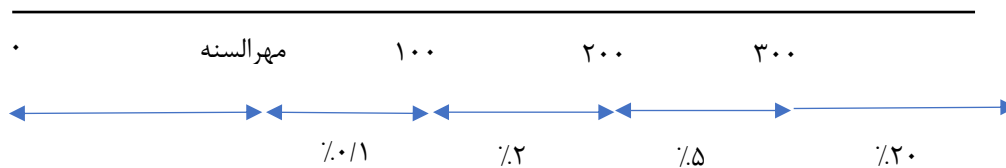
4. pigovian tax

5. corrective tax

6. Arthur Pigou (1877-1959)

7. Negative externality

بازار ازدواج در جهت حرکت به سمت مهریه‌های کمتر است. البته برای آثار توزیعی آن نیز پیشنهادکنندگان طرح تدبیری اندیشیده‌اند و قرار شده منابع مالی حاصل از حق ثبت صرف تهیه تجهیزات برای خانوارهای کم‌درآمد و فقیر شود. با توجه به بندهای طرح پیشنهادی، مالیات وضع شده بر مهریه‌های بالا از نوع مالیات تصاعدی است و با افزایش میزان مازاد مهریه از مهرالسنه میزان مالیات (نرخ حق ثبت) نیز افزایش می‌یابد. برای درک بهتر، میزان مالیات اعمالی بر مهریه‌های بالا در شکل ۱ آورده شده است. اعداد در شکل ۱ تعداد سکه‌ها یا معادل ارزش ریالی آن‌هاست. علاوه بر این، مهرالسنه نیز توسط رئیس قوه قضاییه تعیین و اعلام می‌شود که می‌توان آن را به مثابه تلاش برای تنظیم‌گری قیمت ضمنی ازدواج در نظر گرفت. در واقع، مهرالسنه همان قیمت مطلوب (میزان مهریه مناسب) از نظر مقنن است. البته توجه به این نکته ضروری است که مهریه تنها بخشی از قیمت ضمنی ازدواج است و همه آن نیست.



شکل ۱. میزان حق ثبت بر مهریه‌های مازاد بر مهرالسنه (منبع: یافته‌های پژوهش)

همان‌طور که از شکل ۱ پیداست اگر ۱۰۰۰ سکه بهار آزادی به عنوان مهریه توافق شود، با فرض اینکه مهرالسنه ۲۵ میلیون تومان باشد و قیمت سکه مثلاً ۱۵ میلیون تومان باشد (قیمت تقریبی سکه در زمان نگارش مقاله)، آن‌گاه حق ثبتی معادل ۲/۲ میلیارد تومان باید توسط زن و شوهر پرداخت شود که در زمان نگارش این مقاله مبلغی قابل توجه است. کاهش مهریه به ۳۰۰ سکه میزان حق ثبت پرداختی را به ۱۰۷ میلیون تومان کاهش خواهد داد. به این ترتیب، میزان حق ثبت پرداختی تابعی از مهریه توافقی و نیز مهرالسنه است. در واقع، مادامی که میزان مهریه کمتر و برابر مهرالسنه باشد هیچ حق ثبتی توسط زن و شوهر پرداخت نخواهد شد. در اینجا، قانون‌گذار امیدوار است که ساختار انگیزشی ناشی از حق ثبت اعمالی بر مهریه‌های بالا مانع از بروز آن و در نتیجه هزینه‌های اجتماعی ناشی از آن شود. به عبارت دیگر، صرفاً آن بخش از کنشگرانی که در مهریه‌های بالا دست به ازدواج خواهند زد تحت تأثیر این قانون قرار خواهند گرفت. در قسمت بعدی مقاله در زمینه واکنش‌های احتمالی این کنشگران به ساختار انگیزشی ناشی از حق ثبت بر مهریه و هزینه‌های اجتماعی ناشی از آن بحث خواهد شد.

بازار ضمنی ازدواج و حق ثبت بر مهریه

در این قسمت با استفاده از آموزه‌های اقتصاد خرد تأثیر اعمال حق ثبت بر مهریه مازاد بر مهرالسنه تحلیل و تبیین می‌شود. با اعمال حق ثبت بر مهریه، برای کنشگرانی که در بازار ازدواج مازاد بر مهرالسنه بر سر مهریه توافق می‌کنند، به فرض ثابت بودن سایر شرایط^۲، قیمت ضمنی ازدواج به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. به این ترتیب، افرادی که مهریه توافقی آن‌ها کمتر و برابر با مهرالسنه باشد، به هیچ‌وجه تحت تأثیر این سیاست قرار نخواهند گرفت و در واقع آن‌ها اصلاً از ابتدا مخاطبان این قانون نبوده‌اند. به طور معمول در فرایند چانه‌زنی بر سر مهریه این زن است که به دنبال بالا بردن میزان مهریه است تا در صورت وقوع طلاق بتواند به نوعی خسارت ناشی از انحلال نکاح را جبران کند یا از مهریه بالا به مثابه ابزاری برای کنترل کژرفتاری‌های^۳ احتمالی شوهر در زندگی مشترک در آینده استفاده کند.^۴ مردان نیز در مواجهه با پیشنهادهای مهریه بالا به هر دلیلی، از جمله علاقه فراوان یا کم‌انگاری احتمال وقوع طلاق در آینده و در نتیجه پرداخت مهریه یا دادن وزن بیشتر به منافع کنونی ازدواج، ممکن است آن را بپذیرند. وجود مهریه‌های بالا در دنیای واقعی نیز گواه آن است که زنان و مردانی وجود دارند که بر سر

۱. در قانون مدنی از مهرالسنه ذکری به میان نیامده است. ولی در کتب فقهی به منزله یکی از انواع مهر مورد بحث قرار گرفته و میزان آن معادل ۵۰۰ درهم یا ۵۰ دینار یا معادل ۲۶۲/۵ مثقال نقره مسکوک است (روشن، ۱۴۰۱: ۲۰۲). این مهریه با توجه به قیمت هر مثقال ۹۵۸۰۰۰ بالغ بر ۲۵۱۴۷۵۰۰۰ ریال خواهد بود.

2. ceteris paribus
3. moral hazards

۴. برای مطالعه بیشتر در زمینه اطلاعات نامتقارن در ازدواج ← فریدبرگ و استرن، ۲۰۱۴.

مهریه‌های بالا توافق می‌کنند. در واقع، همین گروه هستند که مخاطبان اصلی وضع حق ثبت بر مهریه بوده‌اند. اینکه فراوانی این گروه در ایران چه میزان است به دلیل نبود آمار رسمی مشخص نیست. اما به نظر می‌رسد از نظر قانون‌گذار تعداد آن‌ها قابل توجه بوده است که وی را بر آن داشته تا در این زمینه اقدام به قانون‌گذاری کند. حال پرسش آن است که این مردان و زنانی که پیش از این بدون پرداخت هیچ‌گونه حق ثبتی بر سر مهریه‌های بالا توافق و زندگی مشترک خود را آغاز می‌کرده‌اند اکنون در واکنش به اعمال حق ثبت بر مهریه‌های بالا چگونه رفتار خواهند کرد؟

در پاسخ به پرسش پیش‌گفته می‌توان سناریوهای مختلفی را پیش‌بینی و آثار احتمالی آن‌ها را بررسی و تبیین کرد که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

سناریوی توفیق

این سناریو بهترین اتفاقی است که می‌تواند برای قانون‌گذار بیفتد. در اینجا کنشگران بازار ازدواج در پاسخ به ساختار انگیزشی ناشی از مالیات وضع‌شده بر مهریه‌های مازاد بر مهرالسنه در فرایند چانه‌زنی برای مهریه (به عنوان بخشی از مبادله ازدواج) میزان آن را به صورتی تعیین خواهند کرد که نزدیک به مهرالسنه باشد تا از پرداخت حق ثبت (مالیات) معاف شوند. یا آنکه ممکن است طرفین توافق کنند بخشی از مهریه به صورت نقدی در زمان وقوع پرداخت شود تا از پرداخت مالیات معاف شود؛ گزینه‌ای که البته با توجه به محدودیت‌های مالی احتمالی مرد در زمان ازدواج ممکن است چندان مورد استقبال وی نباشد. البته این سناریو کاهش میزان مهریه توافقی و نزدیک شدن آن به سطح مهرالسنه و پیامدهای احتمالی مثبت آن نیز حتی در صورت وقوع بدون هزینه نخواهد بود. در اینجا مردان در فرایند همسان‌گزینی و یافتن گزینه‌ای که حاضر باشد در مهریه‌های پایین‌تر (نسبت به قبل از تصویب قانون) در صورت تصویب البته توافق کند باید زمان و انرژی بیشتری را در بازار ازدواج صرف کنند. به این ترتیب، هزینه‌های جست‌وجو به منزله بخشی از هزینه‌های مبادلاتی ازدواج نسبت به قبل افزایش خواهد یافت که می‌تواند منجر به افزایش متوسط سن در اولین ازدواج شود. زنان نیز با توجه به میزان قدرت چانه‌زنی خود تلاش خواهند کرد تا میزان مهریه را افزایش دهند و پرداخت حق ثبت را نیز به مرد منتقل کنند. در اینجا نیز شاهد افزایش هزینه‌های چانه‌زنی به منزله بخشی از هزینه‌های مبادلاتی ازدواج خواهیم بود که باز هم در جهت افزایش متوسط سن در اولین ازدواج یا حتی کاهش ازدواج است. بنابراین، با این فرض که کنشگران در بازار ازدواج باقی خواهند ماند و از آن خارج نخواهند شد (فرضی که در سناریوی سوم در ادامه این قسمت به چالش کشیده خواهد شد)، باز هم شاهد افزایش هزینه‌های مبادلاتی^۱ ازدواج در نتیجه وضع مالیات بر مهریه هستیم که مهم‌ترین پیامد آن می‌تواند افزایش متوسط سن در اولین ازدواج باشد. مطابق یافته‌های جمعیت‌شناسی، به فرض ثابت بودن سایر شرایط، افزایش متوسط سن در اولین ازدواج با کاهش دامنه سال‌های باروری می‌تواند منجر به کاهش باروری شود.^۲ به این ترتیب، حتی در بهترین سناریو و به فرض باقی ماندن همه کنشگران در بازار ازدواج یکی از پیامدهای ناخواسته^۳ این سیاست می‌تواند افزایش متوسط سن در اولین ازدواج و کاهش باروری باشد؛ آنچه در نقطه مقابل هدف طرح، یعنی کاهش موانع ازدواج برای مردان، بوده است. دلیل این امر نیز آن است که در این طرح صرفاً منفعت یکی از طرفین مبادله (مردان) لحاظ شده است. برای طرف دیگر مبادله (زنان) بدون آنکه جایگزینی برای کارکردهای مهریه (حداقل از نظر زنان) در طرح معرفی شود صرفاً تلاش شده با اعمال حق ثبت از وقوع مهریه بالا جلوگیری شود. به این ترتیب، زنانی که به مهریه بالا و کارکردهای احتمالی آن اهمیت می‌دهند تلاش خواهند کرد به دنبال جایگزین آن بروند که در سناریوی بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

1. transaction costs

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ← بلیدو و مارسن، ۲۰۱۴.

3. unintended consequences

سناریوی جایگزینی مهریه

ازدواج مبادله‌ای داوطلبانه است که منجر به ایجاد اضافه رفاه^۱ برای طرفین آن (زن و شوهر) می‌شود. در واقع، هر مبادله داوطلبانه‌ای، از جمله ازدواج، مشابه یک بازی برد-برد است. بخشی از فرایند چانه‌زنی در مبادلات این‌چینی ناظر بر تقسیم اضافه رفاه ناشی از مبادله میان طرفین است. سیاست‌های دولت نیز ممکن است بر سهم هر یک از طرفین از این اضافه رفاه تأثیرگذار باشد. با توجه به آنکه مهریه بالاتر (در صورتی که در عمل نیز پرداخت شود یا در جریان زندگی به شکل‌های مختلف از جمله افزایش قدرت چانه زنی در امور مختلف منجر به افزایش مطلوبیت زن شود) به منزله افزایش اضافه رفاه زن از مبادله ازدواج است، کاهش میزان آن در نتیجه وضع مالیات به منزله کاهش اضافه رفاه ناشی از ازدواج برای زن است. به این ترتیب، زنان در بازار ازدواج، که به دنبال بیشینه‌سازی اضافه رفاه ناشی از ازدواج هستند، با توجه به آنکه می‌دانند پافشاری بر مهریه بالا در فرایند چانه‌زنی به دلیل وجود حق ثبت ممکن است آن‌ها را با دشواری روبه‌رو کند، تلاش خواهند کرد برای افزایش اضافه رفاه خود به دنبال جایگزین‌های مهریه بروند. در ادامه به تحلیل و تبیین این جایگزین‌های احتمالی می‌پردازیم.

از آموزه‌های اقتصاد خرد می‌دانیم که افزایش قیمت یک کالا یا خدمت، به فرض ثابت بودن سایر شرایط، منجر به افزایش تقاضا برای کالاها یا خدمات جانشین خواهد شد. مهریه برای زنان کارکردهایی دارد که منجر به افزایش مطلوبیت و اضافه رفاه ازدواج برای آنان می‌شود. اکنون که در نتیجه وضع حق ثبت (مالیات) بر مهریه قیمت آن افزایش یافته است، زنان به دنبال جایگزین کردن مهریه با کالاها یا خدمات جانشین خواهند رفت تا بتوانند اضافه رفاه ازدست‌رفته ناشی از کاهش مهریه را جبران کنند. البته پیش‌فرض آن است که زنان، با توجه به وجود رفتار عقلانی و نیز کامل بودن اطلاعات، می‌دانند آنچه بر سر آن به منزله جایگزین مهریه توافق می‌شود اولاً نباید بخشی از توافق مربوط به مهریه باشد (زیرا در غیر این صورت مشمول تبصره ۳ طرح می‌شود و در عمل جایگزینی برای مهریه نخواهد بود) و ثانیاً نباید خلاف قواعد آمره باشد تا در عمل بتوان آن را اجرا کرد. از جمله این کالاها یا جانشین، که واجد شرایط پیش‌گفته باشد، شروط ضمن عقد است که احتمالاً پس از تصویب این طرح نقش پررنگ‌تری در فرایند چانه‌زنی ازدواج بازی خواهد کرد. مثلاً، در صورت تصویب طرح یادشده، احتمالاً تصویب دارایی‌های مکتسبه پس از ازدواج بیش از پیش رواج پیدا خواهد کرد یا ممکن است اکنون که مهریه بالا به دلیل وضع مالیات بر آن قابل مذاکره نیست گرفتن وکالت در طلاق توسط زنان در فرایند چانه‌زنی بیش از پیش رواج یابد. این موضوع که آیا کالاها یا جانشین احتمالی نسبت به مهریه (به‌ویژه مهریه‌های بالا) هزینه‌های اجتماعی کمتری دارند یک پرسش تجربی است و نمی‌توان با قطعیت در مورد آن سخن گفت. اما اگر سازوکار انگیزشی این کالاها یا جایگزین (از جمله تصویب دارایی، دادن وکالت در طلاق به زنان، و ...) منجر به هزینه‌های نسبی بیشتری شود، آن‌گاه در عمل این طرح هیچ توفیقی در کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از مهریه‌های بالا نخواهد داشت.

علاوه بر گزینه‌های جانشین مهریه در شروط ضمن عقد، طرفین جهت دور زدن پرداخت حق ثبت ناشی از مهریه‌های بالا (که در واقع می‌توان آن را به مثابه نوعی فرار مالیاتی نیز تلقی کرد) ممکن است دست به توافقاتی بزنند که هرچند قانونی و قابل اجراست، پیش از این در بازار ازدواج مرسوم نبوده است. از جمله آنکه ممکن است زن به عنوان جایگزین مهریه از مرد بخواهد یک سند تجاری، از جمله چک یا سفته، به وی تحویل دهد. فارغ از آنکه چه درصدی از مردان در بازار ازدواج حاضر به این کار شوند، در صورتی که تاریخ و مبلغ در این اسناد مشخص باشد، با توجه به وجود تورم‌های دورقمی در ایران در طول دهه‌های گذشته و امکان ادامه آن در آینده، اضافه رفاه اکتسابی از این اسناد برای زنان (در مقام دارندگان این اسناد) در طول زمان کاهش خواهد یافت که ممکن است آن‌ها را ترغیب به اجرای سریع‌تر آن اسناد کند که در این صورت این موضوع می‌تواند کانالی برای ایجاد بی‌ثباتی در خانواده و در نتیجه تحمیل هزینه‌های اجتماعی شود؛ وضعیتی که کاهش آن هدف اصلی طرح وضع مالیات بر مهریه‌های بالا بوده است. حالت دیگر آن است که مبلغ و تاریخ به عنوان ارکان این اسناد تجاری خالی گذاشته شود تا این معضل برای زن حل شود. خواسته‌ای که البته احتمال پذیرش آن توسط مردان بسیار بعید است و زنان نیز با علم به این موضوع و با توجه به آنکه پیشنهاد آن ممکن است علامتی منفی و نامطلوب از سوی آنان تلقی شود احتمالاً آن را بیان نخواهند کرد.

1. surplus

حتی در مواردی که ارکان اصلی این اسناد تجاری (از جمله تاریخ و مبلغ) مشخص است، علاوه بر آثار منفی احتمالی آن بر ثبات خانواده، پیگیری حقوقی آن ممکن است منجر به ایجاد پرونده در دادگاه‌های حقوقی یا کیفری شود. حال آنکه اصل اختلاف در حوزه خانواده بوده است. به این ترتیب، اختلافاتی که ریشه خانوادگی دارند و باید در دادگاه‌های خانواده به صورت تخصصی به آن‌ها رسیدگی شود، به دادگاه‌هایی ارجاع خواهد شد که عملاً فاقد صلاحیت و تخصص در رسیدگی به اختلافات خانوادگی هستند. دلیل این وضعیت نیز تبدیل یک تعهد در حوزه خانواده (مهریه) به یک تعهد تجاری است که خود ریشه در وضع مالیات بر مهریه دارد.

علاوه بر آنچه آمد، ناگفته پیداست که تلاش در بازار ازدواج برای یافتن جانشین‌های مناسب و مطلوب برای مهریه توسط زنان هزینه‌های مبادلاتی فرایند همسان‌گزینی (هزینه‌های جست‌وجو، چانه‌زنی، اجرا) در این بازار را افزایش خواهد داد. این موضوع، به فرض آنکه کنشگران در بازار ازدواج باقی بمانند، به افزایش متوسط سن در اولین ازدواج منجر می‌شود که همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد خود می‌تواند به کاهش باروری بینجامد.

سناریوی خروج از بازار ازدواج

هرچند، در ظاهر، علت ارائه این طرح آن است که با جلوگیری از ثبت مهریه‌های بالا یکی از موانع مهم ازدواج جوانان (به طور مشخص مردان جوان) حل شود، عدم توجه به طرف دیگر مبادله (زنان) در عمل ممکن است به نقض غرض طرح منجر شود. به عبارت دیگر، عدم لحاظ طرف دیگر مبادله (زنان) یک خطای راهبردی به نظر می‌رسد. در واقع، در بازار ازدواج در ایران، مهریه به مثابه یکی از ارکان نکاح دارای کارکردهایی خاص برای زنان است که محدود کردن آن و عدم معرفی جایگزینی مطلوب برای آن ممکن است منجر به ایجاد آشفتگی در این بازار شود. در سناریوهای پیشین، فرض بر این بود که کنشگران در هر صورت در بازار باقی می‌مانند و تلاش می‌کنند یا گزینه مناسبی بیابند که در مهریه‌های نزدیک به مهرالسنه حاضر به ازدواج باشند یا می‌توانند به صورت توافقی جایگزینی برای مهریه‌های مازاد بر آستانه پیش‌بینی‌شده در طرح (مهرالسنه) بیابند. در هر دو حالت، هزینه‌های مبادلاتی ازدواج افزایش خواهد یافت که می‌تواند منجر به دلسردی کنشگران در بازار و در نهایت خروج آن‌ها از بازار شود. پرسش اساسی آن است که این کنشگران به کجا خواهند رفت و خروج آن‌ها از بازار ازدواج چه پیامدهایی را در سطح خرد و کلان به همراه خواهد داشت؟

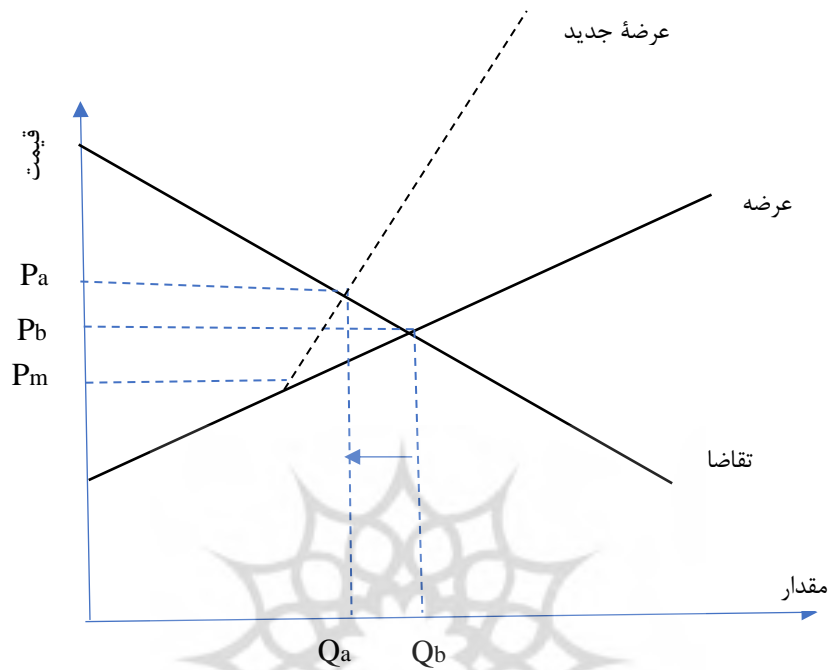
بر اساس مباحث علمی اقتصاد خانواده^۱ به طور عام و اقتصاد ازدواج^۲ به طور خاص می‌دانیم که ازدواج منافعی برای افراد در پی دارد که آن‌ها را ترغیب به آن می‌کند.^۳ از جمله این منافع می‌توان احساس دوست داشتن و دوست داشته شدن، فرزندآوری، برخورداری از صرفه‌های ناشی از مقیاس مرتبط به کالاهای عمومی عرضه‌شده در خانواده، و ... اشاره کرد. خروج از بازار ازدواج به معنای از دست رفتن اضافه رفاه ناشی از ازدواج برای افراد و در نتیجه کاهش رفاه اجتماعی است. در واقع، بخشی از کنشگران که نتوانند به دلیل اعمال حق ثبت بر مهریه در آن سطح از مهریه‌هایی که به زعم آن‌ها مطلوب است گزینه مطلوب خود را پیدا کنند ممکن است با افزایش سن در نهایت برای همیشه از این بازار خارج شوند و به مجرد قطعی برسند که به منزله از دست رفتن اضافه رفاه ناشی از ازدواج برای آن‌هاست. در واقع این اضافه رفاه از دست‌رفته همان زیان مرده ناشی از اعمال مالیات بر مهریه‌های بالاست. میزان این زیان مرده بستگی به مهرالسنه خواهد داشت. به فرض ثابت بودن سایر شرایط، کاهش در میزان مهرالسنه که به منزله افزایش دامنه مالیات بر مهریه (و به نوعی مالیات بر ازدواج) است منجر به افزایش زیان مرده ناشی از اعمال حق ثبت بر مهریه‌های بالا خواهد شد. علاوه بر این، میزان زیان مرده یادشده تابعی از میزان کشش قیمتی^۴ عرضه و تقاضای ازدواج است که خود به ترتیب تابعی از وجود جایگزین‌های مهریه برای زنان و نیز جایگزین‌های ازدواج برای مردان است. به این ترتیب، عدم توجه به جنبه‌های عرفی و حقوقی و اجتماعی بازار ازدواج در تعیین مهرالسنه و پایین آوردن بیش از حد

1. family economics
2. marriage Economics

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ← برونینگ و چیاپوری، ۲۰۱۴.

4. price elasticity

آن چه بسا آثار منفی بیشتری بر بازار ازدواج داشته باشد و منجر به هزینه‌های اجتماعی بیشتری نسبت به قبل شود. زبان مرده ناشی از اعمال حق ثبت بر مهریه‌های مازاد بر مهرالسنه در شکل ۲ نشان داده شده است. همان طور که از شکل ۲ پیداست، وضع و اعمال حق ثبت بر مهریه به کاهش میزان ازدواج منجر خواهد شد. در شکل ۲، P_m میزان مهرالسنه است. P_a و P_b نیز قیمت ضمنی ازدواج قبل و بعد از اعمال مالیات بر مهریه است.



شکل ۲. زبان مرده ناشی از اعمال حق ثبت بر مهریه مازاد بر مهرالسنه (منبع: یافته‌های پژوهش)

اما دسته دیگری از این کنشگران در بازار ازدواج ممکن است روانه بازارهایی شوند که در آن جانشین نزدیکی برای ازدواج عرضه می‌شود. یکی از این بازارهای مهم بازار هم‌باشی^۱ است. در ایران، زن و مرد در صورت ورود به این نوع رابطه به هیچ‌گونه ثبتي در مورد توافقات صورت‌گرفته نیاز ندارند و عملاً توافقات بین آن‌ها شفاهی و فاقد ضمانت اجرایی بیرونی، از جمله قانون، است. هر یک از طرفین نیز هرگاه بخواهد می‌تواند یک‌طرفه رابطه را خاتمه دهد. البته در اینجا نیز ممکن است زن به عنوان بخشی از توافق مرد را ملزم به تحویل اسناد تجاری، مانند چک، کند. یکی از مزایای هم‌باشی برای زنان در مقایسه با ازدواج ممکن است خروج آسان‌تر آن‌ها از این روابط باشد. این موضوع به‌ویژه برای زنانی که از استقلال مالی بیشتری برخوردارند می‌تواند جذاب‌تر نیز باشد. البته این اتفاق برای مرد نیز قابل تصور است و وی نیز می‌تواند به راحتی و بدون هیچ‌گونه تعهد قانونی (مانند نفقه، مهریه، و ...) از رابطه خارج شود. زنانی که احتمالاً نتوانند در فرایند جایگزینی مهریه (جهت فرار از حق ثبت) وکالت در طلاق را از مرد بگیرند بازار هم‌باشی می‌تواند برای آن‌ها جذاب باشد. با وجود این، ورود به این بازارها ممکن است با چالش‌های فرهنگی و عرفی بسیاری به‌ویژه برای زنان همراه باشد. به این ترتیب، ممکن است برخی از کنشگران بازار ازدواج به منظور فرار از پرداخت حق ثبت وارد هم‌باشی شوند. یافته‌های نظری و تجربی مرتبط با هم‌باشی حاکی از آن است که با توجه به آسان‌تر بودن خروج از رابطه هم‌باشی کمیّت و کیفیت سرمایه‌گذاری زن و مرد در این نوع رابطه (به عبارت دقیق‌تر در تولید و عرضه کالاهای عمومی در خانواده) در مقایسه با ازدواج (که به طور نسبی از ثبات بیشتری برخوردار است) کمتر خواهد بود. یکی از این کالاهای عمومی فرزند است؛ یعنی، با توجه به سازوکار انگیزشی ناشی از هم‌باشی، احتمال فرزندآوری به طور نسبی کمتر است. با توجه به آنکه در ایران فرزندآوری در این نوع روابط به برچسب‌زنی به افراد منجر می‌شود و حتی زمینه‌های قانونی ثبت

1. cohabitation

این روابط یا گرفتن شناسنامه برای فرزند چندان مشخص نیست یا ممکن است با چالش همراه باشد، در مقایسه با جوامعی که سازوکار هم‌باشی از نظر اجتماعی و حقوقی مشخص است، احتمال فرزندآوری به طور نسبی باز هم کمتر خواهد بود. به این ترتیب، حق ثبت مهریه مادامی که منجر به گسترش بازار هم‌باشی شود از این کانال نیز منجر به کاهش ازدواج و کاهش فرزندآوری خواهد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مجموعه‌ای از انتخاب‌های بازاری و غیر بازاری که توسط خانواده گرفته می‌شود دارای آثار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است. به این ترتیب، با توجه به اهمیت خانواده در جامعه، سیاست‌گذاری در این حوزه از دیرباز مورد توجه دولت‌ها بوده است. ازدواج، به منزله یک انتخاب غیر بازاری مهم، در بستری از نهادهای رسمی و غیر رسمی (نهاد به مثابه قاعده بازی) صورت می‌گیرد که در طول زمان نقش نهادهای غیر رسمی در آن کم‌رنگ‌تر و در عوض نقش نهادهای رسمی پررنگ‌تر شده است. به این ترتیب، نقش قواعد رسمی در انتخاب‌های بازاری و غیر بازاری مرتبط با خانواده، که خود برآمده از فرایند سیاست‌گذاری در این حوزه هستند، بیش از پیش اهمیت یافته است.

به تازگی طرحی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تصویب شده است که به دنبال وضع حق ثبت بر مهریه‌های مازاد بر یک آستانه مشخص (مهرالسنه) است. هدف طرح نیز به طور مشخص کاهش انگیزه کنشگران بازار ازدواج جهت توافق بر سر مهریه‌های بالا و هدایت آن‌ها به سمت مهریه‌های کمتر است. به نظر می‌رسد از نظر سیاست‌گذار ایرانی مهریه‌های بالا باعث افزایش هزینه‌های اجتماعی - به صورت کاهش ازدواج، افزایش پرونده‌های مربوط به دعوی خانواده، حبس مردان، و ... - شده است. تحلیل‌های نظری صورت‌گرفته در این پژوهش با استفاده از آموزه‌های اقتصاد خرد حاکی از آن است که حتی در بهترین سناریو، که کنشگران در واکنش به حق ثبت اعمالی در مهریه‌های کمتر توافق می‌کنند، این دخالت در بازار ازدواج می‌تواند با افزایش هزینه‌های جست‌وجو و چانه‌زنی در این بازار به افزایش متوسط سن در اولین ازدواج و کاهش باروری منجر شود؛ موضوعی که البته به زعم سیاست‌گذار پیش از این نیز به دلیل وجود مهریه‌های بالا در جریان بوده است. به نظر می‌رسد طراحان وضع حق ثبت (مالیات) بر مهریه در مسئله‌یابی خود نتوانسته‌اند میان مهریه اسمی^۱ و مهریه حقیقی^۲ تمایز قائل شوند. منظور از مهریه اسمی آن میزانی است که در سند نکاح نگاشته می‌شود. اما مهریه حقیقی آن میزانی است که در عمل به زن پرداخت خواهد شد (در صورت وقوع طلاق یا غیر از آن) و تابعی است از تمکن مالی شوهر و مطلوبیت طلاق و انحلال نکاح برای زن. به نظر می‌رسد با افزایش میزان مهریه اسمی اختلاف آن با مهریه حقیقی نیز بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر، با افزایش مهریه اسمی مهریه حقیقی لزوماً به همان نسبت افزایش نخواهد یافت. نکته مهم و قابل توجه که از نظر طراحان این طرح مغفول مانده است آن است که آنچه در عمل بر تصمیم به ازدواج و سایر تصمیمات درون‌خانواده‌ای تأثیر می‌گذارد مهریه حقیقی است نه مهریه اسمی. به این ترتیب، این طرح برای ازدواج کسانی که به هر دلیل مهریه اسمی برای آن‌ها مهم است (حتی اگر بدانند احتمال وصول آن بسیار کم است) یک مانع جدی ایجاد خواهد کرد. در واقع، گروهی از کنشگران در بازار ازدواج که پیش از این طرح به هر دلیلی، از جمله فشار اجتماعی و عرف و ...، بر مهریه‌های بالا توافق می‌کردند، اما، در عمل، زندگی مسالمت‌آمیزی پیدا می‌کردند یا می‌دانستند که حتی در صورت وقوع طلاق هیچ‌گاه این میزان از مهریه ردوبدل نخواهد شد بازندگان اصلی تصویب این طرح خواهند بود؛ گروهی که مهریه نمادین بالا اکنون برای آن‌ها هزینه حق ثبت به همراه خواهد داشت و در تلاش برای همسان‌گزینی مجبور به صرف زمان و انرژی بیشتری در بازار ازدواج خواهند بود.

در مجموع، این طرح از دو منظر به طور جدی قابل نقد است. نخست آنکه به نظر می‌رسد طراحان آن نتوانسته‌اند میان مهریه اسمی و مهریه حقیقی تمایز قائل شوند. در یک سر طیف ممکن است ادعا شود میزان مهریه حقیقی چنان که سیاست‌گذار باور دارد اصلاً بالا نیست که نیاز به مداخله این‌چنینی باشد. در صورت صحت این ادعا، ورود مقنن به این عرصه از اساس اشتباه است و صرفاً منجر به ایجاد هزینه اجتماعی و بر هم خوردن نظم عمومی خواهد شد. در سر دیگر طیف، ممکن است ادعا شود

1. nominal mahr
2. real mahr

مهریه‌های حقیقی در ایران بالاست و مانع جدی ازدواج مردان است و مقنن باید جهت ساماندهی بازار ازدواج به این عرصه ورود می‌کرد. حتی در صورت پذیرش این ادعا، واکاوی در محتویات طرح حاکی از یک خطای راهبردی از سوی مقنن ایرانی است. مهریه حقیقی بالا، در صورت وجود، برآمده از یک بستر عرفی و اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، بالا بودن مهریه حقیقی تعادلی در بازار ازدواج در ایران، به دلیل کارکردها و اهمیت آن برای زنان، بوده است. ایجاد قاعده جدید بازی به نفع مردان (منع شکل‌گیری مهریه حقیقی بالا)، بدون ایجاد تغییر محسوس در دیگر قواعد بازی به نفع طرف دیگر مبادله (زنان)، صرفاً منجر به ایجاد آشفتگی در بازار خواهد شد. به این ترتیب، طرفی که قاعده جدید منفعته انتظاری وی از ازدواج را کاهش داده است (زنان)، خود، به دنبال قاعده‌سازی جهت جبران مافات خواهد رفت (از جمله تمرکز بیشتر بر شروط ضمن عقد) که در نهایت برخلاف تصور اولیه مقنن ممکن است منجر به کاهش میزان ازدواج و رفاه اجتماعی ناشی از آن و برهم خوردن نظم عمومی شود.



منابع

- روشن، محمد (۱۳۹۳). حقوق خانواده. تهران: جنگل.
- روشن، محمد؛ قاسمی، مجتبی و فرهنگ، محمدرضا (۱۴۰۱). تحلیل اقتصادی مهریه. خانواده‌پژوهی، ۱۸، ۷ - ۲۱.
- Acemoglu, D., Laibson, D., & List, J. (2018). *Microeconomics*. Pearson Education Limited. New York.
- Becker. G. (1973). A Theory of Marriage: Part 1. *Journal of Political Economy*, Vol. 81, No. 4, 813-846.
- Bellido, H. & Marcen, M. (2014). Divorce laws and fertility. *Labour Economics*, 27(1), 56-70.
- Browning, M. & Chiappori, P. (2014). *Economics of the Family*. Cambridge University Press. New York.
- Friedberg, L. & Stern, S. (2014). Marriage, Divorce and Asymmetric Information. *International Economic Review*, 55(4), 1155-1199.
- Roshan, M. (2014). *Family Law*. Tehran: Jungle Publications. (in Persian)
- Roshan, M., Ghasemi, M., & Farhang, M. (2022). Economic Analysis of Mahr. *Journal of Family Research*, No. 18, 7-21. (in Persian)

